

درآمدهای سخت‌الوصول، موهبت‌های طبیعی و صندوق‌های ثروت ملی

(مطالعه موردی کشورهای منطقه منا)

کمال صادقی^۱

مانا مصباحی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۶

چکیده

نحوه تأمین مالی دولت‌ها در ادبیات اقتصادی هم به لحاظ آثار توزیعی و هم به لحاظ اثر تخصیصی جایگاه مهمی دارد. در این مطالعه منابع درآمدی دولت به دو دسته کلی «سخت‌الوصول» و «سهل‌الوصول» تقسیم‌بندی می‌شود. پرسش اساسی این است که آیا افزایش سهم درآمدهای صادراتی حاصل از فروش منابع طبیعی به عنوان یکی از اجزای درآمدهای سهل‌الوصول مانع از افزایش سهم درآمدهای سخت‌الوصول در کشورهای منطقه منا می‌شود؟ و اگر چنین است، آیا تعبیه صندوق‌های ثروت ملی در این کشورها توانسته است تا مانع از اثر معکوس درآمدهای منابع طبیعی بر درآمدهای سخت‌الوصول مالیاتی شود؟ برای پاسخ به این سئوالات از داده‌های تابلویی ۲۱ کشور منطقه منا در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سهم درآمدهای منابع طبیعی در GDP، سهم درآمدهای سخت‌الوصول در منابع درآمدی دولت‌های کشورهای مورد بررسی کاهش می‌یابد. در واقع، افزایش سهم درآمدهای منابع طبیعی جایگزین سهم درآمدهای مالیاتی می‌شود. همچنین، تشکیل صندوق‌های ثروت ملی در برخی از کشورها نقش انفعالی داشته و نتوانسته نحوه تأمین مالی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: درآمدهای سخت‌الوصول، درآمد منابع طبیعی، صندوق ثروت ملی، داده‌های پانل

۱- عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

Email:sadeghiseyedkamal@gmail.com

۲- دانشجوی دوره دکتری دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز

۱- مقدمه

حجم گسترده‌ای از ادبیات اقتصادی به بررسی نحوه تأمین مالی دولت‌ها اختصاص داده شده است. دولت به عنوان بزرگترین نهاد تهیه‌کننده کالاها و خدمات عمومی نیازمند منابع درآمدی می‌باشد. در واقع، دستیابی به منابع درآمدی مناسب شرط لازم و نه کافی برای ارائه عملکرد مطلوب دولت می‌باشد. اینکه دولت از چه منابعی برای تأمین مالی هزینه‌های خود استفاده کند به عوامل مختلفی بستگی دارد که هدف اصلی مطالعه حاضر شناسایی این عوامل می‌باشد. در این مطالعه منابع درآمدی دولت به دو دسته کلی «سخت الوصول» و «سهل الوصول» تقسیم‌بندی می‌شود. درآمدهای سخت الوصول عبارتند از مالیات بر درآمد (اشخاص حقیقی و حقوقی) و مالیات بر کالاها و خدمات (مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر فروش و مالیات بر مصرف). در مقابل، درآمدهای سهل الوصول عبارتند از مالیات بر تجارت خارجی و عوارض گمرکی، درآمد فروش منابع طبیعی و سایر درآمدها.

دلیل نام‌گذاری منابع درآمدی دولت‌ها به سخت الوصول و سهل الوصول، نحوه وصول آنها می‌باشد. برای مثال، مالیات بر تجارت خارجی و عوارض گمرکی به صورت متمرکز و در مکان‌های معین نظیر فرودگاه‌ها، بندرها، گمرکات و ... اخذ می‌شود. در حالی که پایه مالیاتی در دسته اول (درآمد و مصرف) متعدد و در سطح وسیعی از اقتصاد گسترده شده است، در نتیجه جمع‌آوری آن نیازمند سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها برای تشخیص، کنترل و وصول درآمد است. از سوی دیگر، قدرت اجرایی نهاد مالیاتی و سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت مالیات‌ستانی متأثر از ثبات سیاسی و ساختار قدرت در یک اقتصاد می‌باشد. هرچند که هزینه وصول درآمدهای سخت الوصول به نسبت بیشتر می‌باشد اما در ادبیات اقتصادی، درآمدهای سخت الوصول از لحاظ کارکردهای دوگانه تخصیصی و توزیعی مالیات‌ها به عنوان منابع درآمدی کاراتری شناخته شده‌اند.

با توجه به شباهت‌های فراوان ساختاری و نهادی کشورهای منطقه منا، وابستگی بسیاری از این کشورها به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و قرار گرفتن ایران در این منطقه، تمرکز این پژوهش بر چگونگی اثرگذاری درآمدهای مالیاتی سهل الوصول بر درآمدهای مالیاتی سخت الوصول در منطقه منا می‌باشد.

مقاله حاضر در شش بخش تنظیم شده است: در بخش دوم، به تشریح مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. بخش سوم به مرور پیشینه پژوهش اختصاص داده شده است. معرفی

متغیرها و مدل تجربی در بخش چهارم ارائه می‌شود. در بخش پنجم، نتایج تجربی مدل ارائه شده است و قسمت پایانی نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات سیاستی اختصاص دارد.

۲- مبانی نظری

مطابق ادبیات اقتصادی، دولت‌ها برای تأمین مخارج خود و حفظ تعادل بودجه‌ای از روش‌های مالیاتی و قرضه‌ای استفاده می‌کنند. در بین انواع درآمدهای دولت، مالیات‌ها قابل قبول‌ترین و مناسب‌ترین نوع آن از نظر اقتصادی است. هر چه سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد از آثار نامطلوب اقتصادی کاسته می‌شود (نیازی، ۱۳۷۷). سیاست‌های مالیاتی از طریق اثرات تخصیصی و توزیعی خود به رشد و توسعه اقتصادی کشورها نیز کمک می‌کنند. در واقع، تأمین رفاه اجتماعی و کارایی اقتصادی مستقیماً تحت تأثیر موفقیت نظام مالیاتی می‌باشد. یک نظام مالیاتی تحت تأثیر نظام‌های سیاسی، مقتضیات مالی و روش‌های مدیریتی می‌باشد. سهم درآمدهای مالیاتی در کل درآمد دولت‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

اغلب اقتصادهای غنی از منابع طبیعی، به درآمدهای حاصل از فروش این منابع متکی هستند. این اتکا در کلیه بخش‌ها و بازارها مانند بخش‌های تولیدی و صنعتی، بازار پول و سرمایه، ساختار بودجه و ... دیده می‌شود. بروز پدیده نفرین منابع در این اقتصادها صرفاً به بخش‌های حقیقی اقتصاد محدود نمی‌شود بلکه باعث شکل‌گیری و تداوم نهادها و ساختارهای ضعیف و رانتهی در این کشورها می‌شود؛ بخش مالی و مالیاتی از این آثار مستثنی نیست.

سهم بالای درآمدهای سهل‌الوصول منابع طبیعی در بودجه دولت‌ها، از یک سو باعث کم‌توجهی به مالیات و آثار آن در اقتصاد و از سوی دیگر باعث بی‌انطباقی بودجه‌ای و مالی می‌شود. ماحصل نقش برجسته درآمدهای منابع طبیعی برای بخش مالی، کاهش ظرفیت مالیاتی^۱، بی‌ثباتی سیاست مالی، کارا نبودن سیستم مالیاتی و نظام اجرایی ضعیف بخش مالیات است. در واقع وجود درآمدهای سهل‌الوصول در این کشورها باعث می‌شود تا درآمدهای سخت‌الوصول مالیاتی یک منبع دست‌اول تأمین درآمد برای آن‌ها محسوب نشده و به طور جدی به سیستم مالیاتی و راه‌های مناسب و بهینه اخذ آن نگاه نشود. در این اقتصادها وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و انعطاف‌ناپذیری مخارج دولت، باعث ناکارآمدی سیاست‌های مالی می‌شود.

۱- توانایی دولت در استخراج منابع مالی از طریق مالیات تحت عنوان ظرفیت مالی ذکر می‌شود.

به علاوه نوسان درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی، ریسک بی ثباتی درآمدهای دولت و در نتیجه عدم توازن بودجه‌ای را افزایش می‌دهد. به منظور پوشش ریسک نوسانات درآمدی، صندوق‌های ثروت ملی در بسیاری از این کشورها تأسیس شده است. اگر این صندوق‌ها قادر به ایفای نقش خود باشند، مانع از افزایش و کاهش پر دامنه درآمدهای دولت می‌شوند. از آنجایی که این صندوق‌ها باعث ثبات درآمدهای سهل الوصول منابع طبیعی می‌شود، انتظار بر این است که دولت‌ها همزمان با افزایش مخارج خود در صدد افزایش درآمدهای خود از کانال درآمدهای سخت الوصول باشند. این مهم از طریق سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها، اصلاح و بهبود فرآیندها و ساختارهای مالیاتی و نظارتی، تعریف پایه‌های مالیاتی جدید و بهبود عملکرد پایه‌های مالیاتی در حال اجرا و ... میسر است.

آزاد سازی تجاری

آزاد سازی تجاری که اغلب با کاهش و یکسان سازی تعرفه همراه است، می‌تواند منجر به کاهش درآمدهای سهل الوصول تعرفه‌ای کشورها گردد. البته افزایش تجارت خارجی باعث افزایش پایه مالیاتی این بخش می‌شود که اثر مثبتی بر درآمدهای مالیاتی دارد. لازم به ذکر است که اثر نهایی اثر گذاری آزاد سازی تجاری بر درآمدهای سهل الوصول به عوامل متعددی نظیر کشش قیمتی درآمدی تقاضا برای واردات، کشش جایگزینی میان کالاهای وارداتی، ساختار تولید داخلی، ترجیحات مصرف کنندگان، ساختار اقتصادی و نهادی کشورها و ... بستگی دارد.

ترکیب تولید ناخالص داخلی

هر یک از فعالیت‌ها و بخش‌های اقتصادی در ترکیب تولید ناخالص داخلی از ظرفیت مالیاتی بخصوصی برخوردار می‌باشند؛ به این صورت که ظرفیت مالیاتی برخی بخش‌ها بیشتر از بخش‌های دیگر می‌باشد. به طوری که بیشترین ظرفیت مالیاتی فعالیت‌های اقتصادی به ترتیب به بخش‌های صنعت و معدن، خدمات و کشاورزی تعلق دارد. بخش کشاورزی به دلیل دارا بودن ساختار سنتی و همچنین برخورداری از سیاست‌های حمایتی دولتی (معافیت مالیاتی و یا نرخ‌های ترجیحی مالیاتی) نسبت به سایر بخش‌ها از ظرفیت مالیاتی کمتری برخوردار می‌باشد.

مقبولیت سیستم مالیاتی

از مهم‌ترین عوامل برای مقبولیت نظام مالیاتی همانا عادلانه بودن مالیات هم در مبنا و هم در اجرای آن است. عدم مقبولیت نظام مالیاتی، نه تنها منجر به نارضایتی مودیان مالیاتی و در نتیجه فرار و تقلب مالیاتی می‌شود بلکه باعث افزایش فساد اداری در حوزه مالیاتی و در نتیجه کاهش درآمدهای

مالیاتی می‌شود. فساد اداری به رفتاری اطلاق می‌شود که در آن فرد به دلیل تحقق منافع خصوصی خود و دستیابی به رفاه بیشتر و یا موقعیت بهتر، خارج از چارچوب رسمی وظایف دولتی خود عمل می‌کند.

نحوه وصول مالیات

هر قدر نقش عامل انسانی و رویارویی ماموران وصول مالیات با مودیان در وصول مالیات‌ها کاهش یابد، امکان سوء استفاده و فساد نیز تقلیل یافته و درآمدهای مالیاتی افزایش خواهد یافت. دستیابی به این مهم دارای دو پیش شرط است: نخست قوانین و مقررات شفاف در حوزه مالیاتی و دوم زیرساخت‌های لازم در حوزه پرداخت الکترونیکی. در کشورهای توسعه یافته به علت وجود مقررات شفاف مالیاتی، افراد قادر به محاسبه مالیات خود و پرداخت آن به صورت الکترونیکی می‌باشند.

شهرنشینی

قدرت اجرایی نهاد مالیاتی در تشخیص و وصول درآمدهای مالیاتی در مناطقی با نسبت کمتر شهرنشینی کمتر خواهد بود. این بدان مفهوم نیست که لزوماً با افزایش شهرنشینی در یک کشور، درآمدهای سخت‌الوصول افزایش می‌یابد. زیرا افزایش شهرنشینی افزایش فعالیت‌های زیر زمینی را نیز به دنبال دارد که اخذ مالیات از بخش‌های زیر زمینی و غیر رسمی دشوار است.

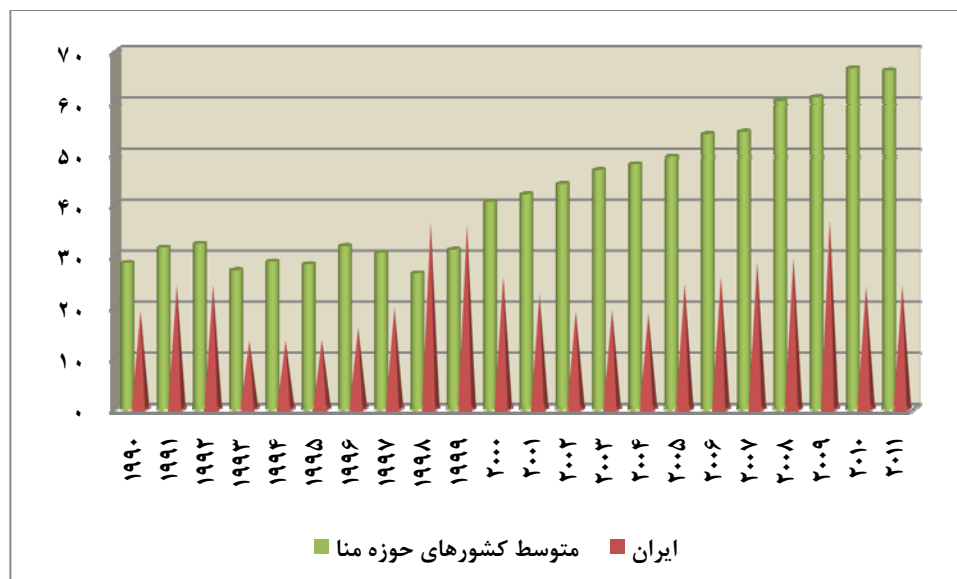
ثبات سیاسی و کیفیت نهادی

هر چه کشوری از لحاظ سیاسی با ثبات‌تر و به لحاظ کارکردی از نهادهای با کیفیت‌تری برخوردار باشد، سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها در حوزه مالیات بیشتر و سیاست‌های مالیاتی منسجم‌تر و کاراتر خواهد بود. این امر منجر به افزایش درآمدهای سخت‌الوصول می‌شود.

بررسی‌های آماری حاکی از این می‌باشد که متوسط سهم درآمدهای سخت‌الوصول در تأمین مالی دولت در کشورهای حوزه منا برای دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۰ برابر با ۴۲ درصد می‌باشد. هر چند که متوسط سهم درآمدهای سخت‌الوصول در دوره زمانی مربوطه کمتر از نصف می‌باشد، اما روند زمانی این متغیر دلالت بر افزایشی بودن آن دارد. روند زمانی سهم درآمدهای سخت‌الوصول در نمودار شماره (۱) نمایش داده شده است. متوسط سهم این درآمدها در کشورهای حوزه منا از ۲۹ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۶۶ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده است که نشان‌دهنده رشد چشمگیر آن می‌باشد. روند رو به رشد سهم درآمدهای سخت‌الوصول در کشورهای حوزه منا نشان از بهبود ساختار تأمین مالی

دولت‌ها دارد که این امر می‌تواند اثر مثبت و قابل توجهی بر عملکرد اقتصادی این کشورها داشته باشد.

نمودار (۱) - سهم درآمدهای سخت الوصول برای کشورهای حوزه منا و ایران



منبع: پایگاه شاخص‌های توسعه جهانی بانک جهانی

در مقابل، متوسط سهم درآمدهای سخت الوصول در دوره مورد بررسی برای ایران برابر با ۳۲ درصد می‌باشد که دلالت بر وضعیت نامناسب تأمین مالی دولت در کشورمان دارد. همچنین، روند نوسانی سهم این درآمدها در کشور را می‌توان به عنوان نشانه‌ای از نبود یک سیاست مالی و مالیاتی جامع و هدفمند در دولت‌های مختلف تلقی نمود. در جدول شماره (۱) نیز مقایسه‌ای از سهم منابع مختلف درآمدی برای متوسط حوزه منا و کشور ایران ارائه شده است.

جدول (۱) - مقایسه سهم منابع درآمدی مختلف در کشورهای حوزه منا و ایران

سال	مالیات بر درآمد (اشخاص حقیقی و حقوقی)		مالیات بر کالا و خدمات		مالیات بر تجارت خارجی		سایر درآمدها	
	ایران	حوزه منا	ایران	حوزه منا	ایران	حوزه منا	ایران	حوزه منا
۱۹۹۰	۱۴.۳	۱۵.۳	۴.۸	۱۰.۹	۸.۹	۱۲.۳	۷۲.۰	۵۴.۶
۱۹۹۵	۱۲.۴	۱۳.۴	۱.۰	۱۲.۸	۳.۰	۱۲.۸	۸۳.۶	۵۵.۲
۲۰۰۰	۱۷.۳	۱۳.۴	۸.۵	۲۱.۴	۷.۷	۹.۷	۶۶.۴	۵۱.۶
۲۰۰۱	۱۶.۸	۱۲.۵	۵.۵	۲۱.۵	۹.۴	۷.۹	۶۸.۲	۵۷.۱
۲۰۰۲	۱۵.۴	۱۳.۳	۳.۷	۲۴.۲	۹.۹	۶.۷	۷۱.۰	۵۴.۸
۲۰۰۳	۱۴.۱	۱۴.۵	۵.۱	۲۵.۱	۱۰.۸	۵.۷	۷۰.۰	۵۲.۶
۲۰۰۴	۱۴.۸	۱۷.۸	۳.۷	۲۵.۶	۱۳.۰	۵.۲	۶۸.۵	۵۱.۲
۲۰۰۵	۲۰.۶	۱۸.۳	۳.۸	۲۵.۶	۹.۳	۴.۷	۶۶.۴	۵۱.۵
۲۰۰۶	۲۲.۳	۲۲.۵	۳.۴	۲۴.۸	۹.۶	۴.۳	۶۴.۷	۴۷.۹
۲۰۰۷	۲۵.۱	۱۹.۳	۳.۵	۲۸.۸	۱۰.۳	۴.۹	۶۱.۱	۴۷.۹
۲۰۰۸	۲۶.۷	۲۳.۱	۲.۷	۲۷.۹	۹.۵	۴.۴	۶۱.۱	۴۴.۷
۲۰۰۹	۳۲.۲	۲۷.۳	۴.۶	۲۶.۵	۱۰.۰	۳.۹	۵۳.۳	۴۴.۸
۲۰۱۰	۱۹.۲	۲۶.۹	۴.۶	۳۰.۶	۹.۵	۳.۶	۶۶.۷	۴۲.۰
۲۰۱۱	۱۸.۶	۲۶.۲	۵.۴	۲۸.۹	۷.۱	۳.۳	۶۸.۹	۴۱.۰
متوسط	۱۸.۲	۱۷.۷	۵.۱	۲۰.۱	۸.۷	۸.۰	۶۸.۰	۵۱.۶

منبع: پایگاه شاخص‌های توسعه جهانی بانک جهانی

در دهه‌های گذشته، کشورهای وابسته به منابع طبیعی به منظور مدیریت درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و جلوگیری از موضوع نفرین منابع طبیعی، سیاست‌های مختلفی به کار گرفته‌اند. از میان سیاست‌های متعدد می‌توان به ایجاد صندوق‌های ثروت ملی^۱ به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه‌کارهای مدیریت درآمدهای حاصل از منابع طبیعی نام برد. دولت‌ها اشکال مختلفی از صندوق‌های ذخیره‌ای را نگهداری می‌کنند که صندوق ثروت ملی نیز یکی از آنها می‌باشد. در ادامه به منظور روشن نمودن تفکیک میان صندوق ثروت مالی با سایر صندوق‌های نگهداری شده توسط دولت (صندوق‌های بازنشستگی، منابع ارزی بانک مرکزی و ...) تعریفی از این صندوق ارائه می‌شود. آدرو روزانو (۲۰۰۵) صندوق ثروت ملی را به صورت زیر تعریف می‌نماید:

1. Sovereign Wealth Funds

«صندوق ثروت ملی با انباشت مازاد بودجه‌های ملی طی سال‌های متعدد به همراه قیود هزینه‌ای و برنامه‌ریزی بلندمدت بودجه‌ای دولت شکل خواهد گرفت. به طور معمول در تشکیل این صندوق اهداف مختلفی مدنظر می‌باشد، از جمله حفاظت بودجه دولت و کل اقتصاد از نوسانات زیاد درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی، کمک به مقامات پولی در جلوگیری از گسترش نقدینگی ناخواسته، ایجاد پس‌انداز برای نسل‌های آینده و استفاده از منابع این صندوق در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی». قدیمی‌ترین صندوق ثروت ملی توسط کشور کویت در سال ۱۹۵۳ میلادی ایجاد شده است. هرچند که در ابتدا کشورها تمایل چندانی به پذیرش این صندوق‌ها نداشتند، اما در دهه اخیر شاهد رشد چشمگیری در صندوق‌های ثروت مالی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته بوده‌ایم. مطابق با گزارش موسسه صندوق ثروت ملی^۱ در حال حاضر ۶۸ صندوق ثروت ملی در کشورهای مختلف دنیا وجود دارد که حجم کل منابع این صندوق‌ها برابر با ۵.۴ تریلیون دلار می‌باشد.

جدول (۲) - صندوق‌های ثروت ملی در کشورهای حوزه منا

کشور	اسم صندوق	دارایی (میلیارد دلار)	سال تأسیس
الجزایر	صندوق تنظیم درآمد ^۲	۷۷.۲	۲۰۰۰
بحرین	شرکت هلدینگ ممتلاکات ^۳	۷.۱	۲۰۰۶
ایران	صندوق توسعه ملی ایران ^۴	۵۴	۲۰۰۳
کویت	مرجع سرمایه گذاری کویت ^۵	۳۸۶	۱۹۵۳
لیبی	مرجع سرمایه گذاری لیبی ^۶	۶۵	۲۰۰۶
عمان	صندوق ذخیره عمومی کشور ^۷	۸.۲	۱۹۸۰
قطر	مرجع سرمایه گذاری قطر ^۸	۱۱۵	۲۰۰۵
عربستان سعودی	هدلینگ‌های خارجی سما ^۹	۶۷۵.۹	مشخص نیست
امارات متحده عربی	مرجع سرمایه گذاری ابوظبی ^{۱۰}	۶۲۷	۱۹۷۶

منبع: موسسه صندوق ثروت ملی^{۱۱}

- 1 . <http://www.swfinstitute.org/>
2. Revenue Regulation FUND
3. Mumtalakat Holding Company
4. National Development Fund of Iran
5. Kuwait Investment Authority
6. Libyan Investment Authority
7. State General Reserve Fund
8. Qatar Investment Authority
9. SAMA Foreign Holdings
10. Abu Dhabi Investment Authority
11. <http://www.swfinstitute.org/>

این حجم دارایی چند صد برابر کل تولید ناخالص داخلی بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. در جدول شماره (۲) صندوق‌های ثروت ملی موجود در کشورهای حوزه منا ارائه شده است. قسمت دوم این مطالعه به بررسی نقش این صندوق‌ها در نحوه تأمین مالی دولت‌ها می‌پردازد.

با توجه به طرح موضوع ارائه شده در بالا، این پژوهش درصدد پاسخ به پرسش‌های زیر می‌باشد:

۱- آیا سهم درآمدهای سخت‌الوصول در کل درآمدهای مالیاتی در کشورهای منطقه منا تحت تأثیر درآمدهای منابع و موهبت‌های طبیعی این کشورها قرار دارد؟ (به لحاظ نقش درآمدهای حاصل از منابع طبیعی)

۲- آیا ایجاد صندوق‌های ثروت ملی به عنوان یکی از اصلی‌ترین راهکارهای مدیریت درآمدهای حاصل از منابع توانسته است بر نحوه تأمین مالی دولت‌های کشورهای منطقه منا اثر گذار باشد؟ (به لحاظ نقش صندوق‌های ثروت ملی)

برای پاسخگویی به پرسش‌های بالا فرضیه‌هایی به شرح ذیل در نظر گرفته شده است:

۱- وجود منابع طبیعی به دلایل مختلفی همانند سهولت استفاده، رانت‌های گسترده و کاهش

تمکین مالیاتی آحاد جامعه منجر به کاهش سهم درآمدهای سخت‌الوصول می‌گردد.

۲- تشکیل صندوق ثروت ملی منجر به افزایش سهم مالیات‌های سخت‌الوصول می‌شود.

۳- پیشینه پژوهش

کارهای تجربی صورت گرفته در خصوص رابطه بین درآمدهای منابع طبیعی و درآمدهای مالیاتی اندک است. با این حال نتایج حاکی از آن است که با فرض ثبات سایر شرایط، افزایش سهم درآمدهای منابع طبیعی در تولید ناخالص داخلی منجر به کاهش سهم درآمدهای مالیاتی خواهد شد. یکی از پژوهش‌های مرتبط به موضوع مقاله، کار تریونوو توماس (۲۰۱۳) است. آنان با تمرکز بر درآمدهای دولت‌ها در کشورهای زیر صحرای آفریقا آن‌ها را به دو گروه اصلی «درآمدهای منابع طبیعی» و «درآمدهای مالیاتی غیر منابع طبیعی» تقسیم کردند. نتایج این مطالعه که از تکنیک رگرسیون تابلویی برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۱ بهره برده، نشان می‌دهد با افزایش یک درصدی سهم درآمدهای منابع طبیعی در تولید ناخالص، درآمدهای مالیاتی غیر منابع طبیعی بین ۰/۰۷ تا ۰/۱۲ درصد کاهش می‌یابد. به علاوه، سهم پایین درآمدهای مالیاتی با فساد همبستگی منفی دارد. بدین مفهوم که نهادهای ضعیف در این کشورها موجب فرار مالیاتی و یا معافیت‌های مالیاتی بیشتری می‌شود. مطالعات درام

موند و همکاران (۲۰۱۲) و بورن هورس و همکاران (۲۰۰۹) نیز وجود رابطه عکس بین درآمدهای منابع طبیعی و درآمدهای مالیاتی را مورد تأیید قرار داده است.

حندی و اسبیا (۲۰۱۳) در بررسی ارتباط میان درآمدهای نفتی، مخارج دولت و رشد اقتصادی با استفاده از الگوهای چندگانه هم انباشتگی و مدل‌های تصحیح و خطا به این نتیجه رسیدند که در دوره زمانی ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰ درآمدهای نفتی هم‌چنان مهم‌ترین منبع تأمین مالی هزینه‌های دولت کشور بحرین بوده است. آن‌ها عقیده دارند که طرح مشترک شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس مبنی بر پیاده‌سازی یک نظام مالیاتی بزرگ، ابزار مناسبی جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی خواهد بود. تیجرینا گوجاردو و پیگان (۲۰۰۳) با استفاده از داده‌های فصلی در دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۳ نشان دادند که درآمدهای نفتی در کشور مکزیک جانشین درآمدهای مالیاتی است. اما درآمدهای مالیاتی نمی‌تواند در کوتاه مدت کاهش درآمدهای حاصل از فروش نفت را در این کشور جبران کند. در مطالعه دیگر برای اقتصاد مکزیک، ریزلویا و بلانکو (۲۰۰۸) با تخمین مدل ARIMA و با استفاده از داده‌های ماهانه طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ به این نتیجه رسیدند که بین درآمدهای بخش نفت و درآمدهای مالیاتی سایر بخش‌های اقتصاد رابطه معکوس وجود دارد.

آیزنمان و جینجارااک (۲۰۰۹) به بررسی اثر آزاد سازی تجاری بر پایه‌های مالیاتی در شصت کشور در حال توسعه بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۹ پرداختند. نتایج حاکی از آن است که افزایش آزادسازی با مالیات‌های آسان رابطه عکس و با مالیات‌های سخت رابطه مستقیم دارد. کیا (۲۰۰۷) بر اساس سیاست هموارسازی بارو چنین نتیجه می‌گیرد که سیاست مالی در کشور ایران به عنوان تولید کننده نفت (۲۰۰۳-۱۹۷۰) و کشور ترکیه به عنوان تولیدکننده محصولات کشاورزی (۲۰۰۱-۱۹۶۷)، پایدار نیست. به علاوه سیاست مالی در ایران با وجود وابستگی به نفت و گاز معتبر نمی‌باشد. آنشاسی و کاتسایتی (۲۰۱۳) با تأکید بر نقش غیر مستقیم «تفاوت کیفیت نهادها» بر «تفاوت رشد اقتصادی» کشورها، رشد اقتصادی ۷۹ کشور شامل دو گروه سرشار از درآمدهای منابع طبیعی و فاقد درآمدهای منابع طبیعی را طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۸۴ مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که آن‌چه باعث رشد اقتصادی در کشورهای سرشار از منابع طبیعی می‌شود همانا کیفیت سیاست مالی و نه کمیت (اندازه دولت) آن می‌باشد. در واقع حکمرانی بهتر، نهادهای قوی‌تر و بودجه‌های شفاف‌تر، مدیریت درآمدهای منابع طبیعی را در این اقتصادها بهبود می‌بخشد.

در مطالعات داخلی عباسیان و خاتمی (۱۳۹۱) برای تعیین مسیر بهینه مالیات‌ها در جهت کاهش وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی از معادله بلمن استفاده کردند. آنان با لحاظ دو هدف تأمین مخارج جاری در پایان برنامه پنجم و تأمین مخارج عمومی دولت در پایان سند چشم‌انداز دریافتند که با پویایی کنونی درآمدهای مالیاتی، کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی امکان‌پذیر نیست. صبری بقایی و محمدزاده اصل (۱۳۸۲) در بررسی عملکرد نظام مالیاتی ایران دریافتند که رشد چشمگیر سهم درآمدهای نفتی در درآمدهای عمومی دولت از سال ۱۳۵۳ مانع از آن شد که مالیات‌ها به عنوان یک شیوه مرسوم و مشخص در تأمین درآمدهای دولت نقش مکفی ایفا نماید. آنان همچنین بر مبنای یک مقایسه تطبیقی بین بیست و دو کشور منتخب دریافتند که با توجه به شاخص‌های انتخاب شده، ایران دارای نامناسب‌ترین ساختار مالیاتی است.

۴- معرفی متغیرها و مدل تجربی

در ادامه مدل اقتصادسنجی معرفی می‌شود. در مطالعه حاضر، جهت بررسی تجربی نحوه تأثیرگذاری منابع طبیعی و صندوق‌های ثروت ملی بر نحوه تأمین مالی دولت‌ها از رویکرد اقتصادسنجی داده‌های پانل بهره گرفته شده است. متغیر وابسته به صورت سهم درآمدهای سخت‌الوصول از کل درآمدهای دولت (HC) در نظر گرفته شده است. متغیر توضیحی اصلی به صورت سهم منابع طبیعی از کل تولید ناخالص داخلی (Soil) تعریف شده و همچنین، برداری از متغیرهای کنترل (V) به منظور توضیح بهتر نحوه تأمین مالی دولت لحاظ شده است:

$$HC_{i,t} = \alpha + \beta Soil_{i,t} + \gamma V_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

مطابق با فرضیه اصلی مطالعه حاضر ضریب β باید منفی باشد، به این معنی که افزایش سهم منابع طبیعی از تولید ناخالص داخلی منجر به کاهش سهم درآمدهای سخت‌الوصول می‌گردد. بردار متغیرهای کنترل شامل تولید ناخالص داخلی سرانه، سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی، نسبت شهرنشینی، درجه باز بودن تجاری و نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی می‌باشد.

سه متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه، سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی و نسبت شهرنشینی به عنوان متغیرهای ساختاری تأثیرگذار بر ظرفیت مالیاتی کشورها در نظر گرفته شده‌اند. متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه و نسبت شهرنشینی رابطه مستقیم و سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی رابطه منفی با ظرفیت مالیاتی دارد. انتظار بر این می‌باشد که با افزایش ظرفیت مالیاتی یک کشور، سهم درآمدهای سخت‌الوصول که مهم‌ترین درآمدهای مالیاتی هستند با افزایش روبه‌رو شود. در نتیجه

می‌توان گفت: انتظار می‌رود که متغیرهای تولید ناخالص داخلی و نسبت شهرنشینی اثر مثبت و متغیر سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی اثر منفی بر روی سهم درآمدهای سخت الوصول داشته باشند. در مطالعه حاضر از متغیر درجه باز بودن تجاری به عنوان یک متغیر ساختاری دیگر تأثیرگذار بر نحوه تأمین مالی دولت استفاده شده است. در چند دهه اخیر، چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه یافته شاهد رشد چشمگیر تجارت خارجی بوده‌ایم. این افزایش در تجارت خارجی با کاهش و یکسان‌سازی نرخ‌های تعرفه‌ای و حذف بسیاری از محدودیت‌های سهمیه‌ای همراه بوده است. این موضوع از یک سو، اثر منفی بر منبع درآمدی مالیات بر تجارت خارجی دارد و از سوی دیگر، با افزایش تجارت خارجی پایه مالیاتی این بخش را گسترده می‌کند که اثر مثبتی بر درآمدهای مالیاتی این بخش دارد. اینکه در مجموع آزادسازی تجاری منجر به کاهش سهم درآمدهای سهل الوصول (یا به عبارتی افزایش سهم درآمدهای سخت الوصول) می‌گردد بسته به ویژگی‌های ساختاری و نهادی کشورهای مختلف دارد، هر چند که یافته‌های تجربی بسیاری از مطالعات، دلالت بر اثر منفی درجه باز بودن تجاری بر درآمدهای مالیاتی بدست آمده از این بخش دارد.

متغیر نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی به عنوان یکی دیگر از متغیرهای کنترل اثرگذار بر سهم درآمدهای سخت الوصول معرفی شده است. در واقع، بیشتر بودن نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی به عنوان نشانه‌ای از نیاز بیشتر دولت‌ها به منابع درآمدی و در نتیجه روی آوردن به سمت درآمدهای سخت الوصول قلمداد می‌گردد. پس، می‌توان گفت که از لحاظ تئوریک، رابطه مثبتی بین نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی و سهم درآمدهای سخت الوصول وجود دارد.

در ادامه به منظور بررسی نحوه اثرگذاری صندوق‌های ثروت ملی بر نحوه تأمین مالی دولت از متغیر دامی به نام صندوق ثروت ملی (SWF) بهره گرفته می‌شود. این متغیر دامی از زمان تأسیس صندوق‌های ثروت ملی در کشورهای برخوردار از صندوق عدد یک و برای سایر کشورها عدد صفر اختیار می‌کند. ضریب متغیر ضربی (δ) بیان‌کننده نحوه اثرگذاری صندوق‌های ثروت ملی بر نحوه تأمین مالی دولت می‌باشد. اگر این ضریب مثبت باشد نشانگر این است که وجود صندوق‌های ثروت ملی تا حدودی اثر منفی وجود منابع طبیعی بر روی سهم درآمدهای سخت الوصول را کاهش می‌دهد.

$$HC_{i,t} = \alpha + \beta \text{Soil}_{i,t} + \gamma V_{i,t} + \delta (\text{SWF}_{i,t} * \text{Soil}_{i,t}) + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

۵- نتایج تجربی

نمونه مورد بررسی مطالعه حاضر شامل ۲۱ کشور حوزه منا در دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۰ می‌باشد. لازم به اشاره است که تمامی اطلاعات مورد استفاده در مطالعه حاضر به غیر از آمار صندوق‌های ثروت ملی از پایگاه شاخص‌های توسعه جهانی^۱ و آمارهای صندوق ثروت ملی از موسسه صندوق ثروت ملی استخراج شده است.

در ادامه روش برآورد مدل اقتصادسنجی تصریح شده در قسمت قبلی مشخص می‌شود. به همین منظور، در جدول شماره (۳)، نتایج آزمون‌های لیمر^۲ و هاسمن^۳ گزارش شده است. فرضیه صفر، عدم وجود اثرات فردی در مقابل فرضیه وجود حداقل یک اثر فردی در آزمون اثرات ثابت با استفاده از دو آماره F و کای دو قویا رد شده است. به عبارت دیگر، نتیجه آزمون لیمر دلالت بر وجود اثرات فردی دارد. در اینجا به منظور انتخاب بین روش‌های اثرات ثابت^۴ و اثرات تصادفی^۵ از آزمون هاسمن بهره گرفته می‌شود. رد فرضیه صفر آزمون هاسمن نیز دلالت بر این دارد که فروض روش اثرات تصادفی برقرار نیست. در واقع، نتایج آزمون‌های لیمر و هاسمن حاکی از این می‌باشد که روش اثرات ثابت، روش مناسب‌تری برای برآورد مدل پانل تصریح شده در این مطالعه است.

جدول (۳) - نتایج آزمون‌های لیمر و هاسمن

آزمون	آماره	Prob.
آزمون لیمر		
آماره F	۴۷.۷۹۹۰	۰.۰۰۰۰
آماره کای دو	۲۳۶.۱۶	۰.۰۰۰۰
آزمون هاسمن		
آماره کای دو	۵۰.۸۰۲۰	۰.۰۰۰۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

1. World Development Indicators (WDI)
2. F-Limer Test
3. Hausman Test
4. Fixed Effect
5. Hausman Test

دو فرض اصلی در برآورد مدل‌های رگرسیونی، واریانس همسانی و عدم خودهمبستگی بین جملات خطا می‌باشد. هر چند که وجود واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی در جملات خطای مدل -های رگرسیونی منجر به نااریب شدن ضرایب برآوردی نمی‌گردد، اما وجود هر یک از این موارد، استنباط‌های آماری را با مشکل مواجه می‌سازند. به این معنی که در صورت نقض فرض واریانس همسانی و عدم خودهمبستگی دیگر صحت و سقم استنباط‌های آماری مورد تردید می‌باشد. به منظور رفع این مشکل، فرض واریانس همسانی و عدم خودهمبستگی جملات خطا مورد آزمون قرار گرفته است. با توجه به اینکه در مدل‌های پانل از داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود لازم است که وجود واریانس همسانی بین گروهی بررسی شود. به منظور بررسی واریانس ناهمسانی بین گروهی از آزمون والد تعدیل شده^۱ استفاده شده است. لازم به اشاره است که در این مطالعه برای انجام این آزمون از برنامه xttest3 در نرم‌افزار Stata 12 استفاده شده است. همچنین، برای بررسی وجود یا عدم خودهمبستگی بین جملات اخلاص از آزمون وولدریج^۲ (۲۰۰۲) استفاده شده و انجام آن توسط برنامه xtserial در نرم‌افزار Stata 12 صورت گرفته است.

نتایج آزمون واریانس همسانی و عدم خودهمبستگی برای مدل پانل تصریح شده در مطالعه حاضر در جدول شماره (۴) ارائه شده است. در آزمون والد تعدیل شده، فرضیه صفر وجود واریانس همسانی بین تمامی واحدهای مقطعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج بدست آمده قویا دلالت بر رد فرضیه صفر واریانس همسانی در مدل موردنظر دارد. در آزمون وولدریج، فرضیه صفر عدم خودهمبستگی مورد آزمون قرار می‌گیرد که نتایج بدست آمده از این آزمون نیز دلالت بر رد فرضیه صفر دارد. در این مطالعه، به منظور رفع مشکل واریانس ناهمسانی از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته عملی^۳ (FGLS) استفاده شده و همچنین، به منظور رفع مشکل خودهمبستگی از ماتریس واریانس - کوواریانس مستحکم^۴ بهره گرفته شده است.

-
1. Modified Wald test
 2. Wooldridge test
 3. Feasible Generalised Least Square (FGLS)
 4. Robust Covariance

جدول (۴) - نتایج آزمون‌های واریانس ناهمسانی بین گروهی و خودهمبستگی

آزمون	آماره	Prob.
آزمون واریانس ناهمسانی بین گروهی (والد تعدیل شده)		
آماره کای دو	۸۶۱.۹۳	۰.۰۰۰۰
آزمون خودهمبستگی (آزمون وولدریج)		
آماره F	۳۷.۵۱۲	۰.۰۰۰۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

در جدول شماره (۵)، نتایج برآورد مدل اقتصادسنجی داده‌های پانل گزارش شده است. همان‌گونه که اشاره شد، در این مطالعه، متغیر وابسته به صورت سهم درآمدهای سخت‌الوصول و به عنوان معیاری از نحوه تأمین مالی دولت استفاده شد. در ادامه به بررسی ضرایب برآوردی متغیرهای توضیحی می‌پردازیم. ضریب متغیر سهم منابع طبیعی از تولید ناخالص داخلی، مطابق با انتظار، اثر منفی و معنی‌داری بر سهم درآمدهای سخت‌الوصول دارد. به عبارتی، فرضیه اصلی مطالعه حاضر، مبنی بر کاهش سهم درآمدهای سخت‌الوصول در صورت برخورداری از منابع و موهبت‌های طبیعی تأیید شده (و یا رد نشده) است. به دیگر سخن اثر برون رانی^۱ درآمدهای نفتی تأیید شده است. این موضوع دلالت بر این دارد که بخشی از تأمین مالی دولت در این کشورها به منابع طبیعی و نوسانات حاصل از فروش این منابع بستگی دارد که خود این امر می‌تواند اثر منفی بر عملکرد اقتصادی آنها داشته باشد.

ضرایب متغیرهای نشانگر ظرفیت مالیاتی نیز مطابق با پیش‌بینی‌های تئوریک و از لحاظ آماری معنی‌دار هستند. به این صورت که متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه و نسبت شهرنشینی که رابطه مستقیمی با ظرفیت مالیاتی دارند، اثر مثبتی بر سهم درآمدهای سخت‌الوصول داشته و متغیر سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی که رابطه معکوسی با ظرفیت مالیاتی دارد، اثر منفی بر سهم درآمدهای سخت‌الوصول داشته است. این موضوع دلالت بر این دارد که افزایش ظرفیت مالیاتی کشورها منجر به کاهش هزینه جمع‌آوری مالیات‌های سخت‌الوصول می‌گردد و این امر نیز منجر به افزایش سهم این درآمدها خواهد شد. ضریب متغیر درجه باز بودن تجاری مثبت برآورد شده است اما از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. اثر مثبت متغیر درجه باز بودن تجاری حاکی از این می‌باشد که اثر کاهش نرخ‌های تعرفه‌ای بر اثر افزایش میزان تجارت خارجی غلبه نموده است، هرچند که در مجموع عدم معنی‌داری

1. Crowding out Effect

این ضریب دلالت بر اهمیت ناچیز آن دارد. ضریب متغیر نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی نیز مطابق با انتظار مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار بدست آمده است.

جدول (۵) - نتایج برآورد مدل پانل با روش اثرات ثابت

Prob.	آماره t	ضریب	سهم درآمدهای سخت الوصول
۰.۰۰۰۰	-۱۷.۸۹۹۲	-۱.۸۲۹۹۸	سهم منابع طبیعی از تولید ناخالص داخلی
۰.۰۴۰۵	۲.۰۶۹۸۶	۰.۰۰۱۸۴۳	تولید ناخالص داخلی سرانه
۰.۰۰۰۰	-۶.۲۸۶۱۲	-۱.۷۵۱۸۷	سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی
۰.۰۰۴۴	۲.۸۹۶۵۵	۰.۷۲۵۶۹۶	نسبت شهرنشینی
۰.۹۲۷۲	۰.۰۹۱۵۱۴	۰.۰۰۲۰۷۲	درجه باز بودن تجاری
۰.۰۰۰۰	۱۶.۳۶۲۷۱	۰.۵۱۸۰۳۷	نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی
		۰.۹۷	ضریب تعیین
		۲۵۹.۴۳	آزمون معنی‌داری F

مأخذ: محاسبات تحقیق

در ادامه به بررسی فرضیه دوم مطالعه حاضر، یعنی بررسی نقش صندوق‌های ثروت ملی در نحوه تأمین مالی دولت می‌پردازیم. در جدول شماره (۶) نتایج برآورد مدل پانل با لحاظ متغیر دامی صندوق ثروت ملی گزارش شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب سایر متغیرهای توضیحی با یافته‌های قبلی سازگاری کاملی دارد. اما ضریب متغیر ضریب سهم منابع طبیعی و متغیر دامی مخالف با انتظار منفی بدست آمده است، هر چند که از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. عدم معنی‌داری آماری ضریب این متغیر دلالت بر اهمیت ناچیز اثرگذاری صندوق‌های ثروت ملی بر نحوه تأمین مالی دولت دارد. این یافته تجربی نشان از این دارد که صندوق‌های ثروت ملی ایجاد شده در کشورهای حوزه منا قادر به ایفای کامل وظایف خود نبوده‌اند. این موضوع می‌تواند به دلایل مختلف نهادی و معضلات موجود در نحوه تشکیل و اداره این صندوق‌ها باشد.

جدول (۶) - نتایج برآورد مدل پانل (با لحاظ متغیر دامی صندوق ثروت ملی) با روش اثرات ثابت

Prob.	آماره t	ضریب	سهام درآمدهای سخت‌الوصول
۰.۰۰۰۰	-۱۱.۹۰۵۷	-۱.۷۶۸۳۶	سهام منابع طبیعی از تولید ناخالص داخلی
۰.۰۴۹	۱.۹۸۷۷۰۹	۰.۰۰۱۸۶۶	تولید ناخالص داخلی سرانه
۰.۰۰۰۰	-۵.۸۷۵۹۱	-۱.۷۳۳۲	سهام ارزش افزوده بخش کشاورزی
۰.۰۱۰۸	۲.۵۸۸۹۶۸	۰.۸۲۴۴۳۴	نسبت شهرنشینی
۰.۸۴۴۱	۰.۱۹۷۰۰۶	۰.۰۰۴۷۷۶	درجه باز بودن تجاری
۰.۰۰۰۰	۱۲.۰۱۸۱۶	۰.۵۰۳۳۷۵	نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی
۰.۴	-۰.۸۴۴۴۲	-۰.۱۱۷۱۱	حاصل ضرب سهم منابع طبیعی و متغیر دامی
		۰.۹۷	ضریب تعیین
		۲۴۷.۰۵	آزمون معنی‌داری F

مأخذ: محاسبات تحقیق

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

درآمدهایی که برای جبران هزینه‌های دولت کسب می‌شوند را می‌توان به دو دسته درآمدهای سهل-الوصول و درآمدهای سخت‌الوصول تقسیم کرد. ویژگی آسان و سخت بودن مالیات بر نحوه اخذ مالیات، زیرساخت‌های مورد نیاز و... وابسته است. وجود درآمدهای سهل‌الوصول منابع طبیعی مانع از آن می‌شود که دولت‌ها در این اقتصادها به سایر روش‌های کسب درآمد بیاورند. گرچه فلسفه وجودی صندوق ثروت ملی همانا مانع از افزایش (کاهش) پر دامنه درآمدهای دولت‌ها بوده است اما تا پیش از این میزان موفقیت این صندوق‌ها در ایفای نقش خود به ورطه آزمون گذارده نشده بود. به علاوه رابطه بین درآمدهای سهل‌الوصول و درآمدهای سخت‌الوصول برای کشورهای حوزه منا که شامل بسیاری از کشورهای نفت خیز می‌باشد، بررسی نشده بود.

بر اساس نتایج تجربی حاصل از مدل‌های اقتصادسنجی مطالعه حاضر، این فرضیه که وجود منابع طبیعی در کشورهای منطقه منا منجر به کاهش سهم درآمدهای سخت‌الوصول می‌گردد، تأیید می‌شود. در واقع افزایش سهم درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی در GDP منجر به کاهش سهم مالیات‌های سخت‌الوصول در کل درآمدهای مالیاتی این کشورها شده است. از سوی دیگر تشکیل صندوق‌های ثروت ملی، قادر نبوده تا از اثر معکوس درآمدهای سهل‌الوصول (درآمدهای حاصل از منابع طبیعی) بر سهم مالیات‌های سخت‌الوصول بکاهد. به دیگر سخن، فرضیه دوم پژوهش تأیید نمی‌شود.

با توجه به این نکات، حرکت دولت‌های متکی بر درآمدهای منابع طبیعی به ویژه ایران به سمت کاهش اتکا به این درآمدها علاوه بر حل مشکلات ساختاری و نهادی نظیر بیماری هلندی، ناکارایی بخش دولتی، رانت خواری و ... منجر به افزایش سهم درآمدهای مالیات‌های سخت الوصول می‌شود. شرایط کنونی و اعمال تحریم‌ها بر اقتصاد ایران این حرکت را هموارتر و توجیه پذیرتر نموده است. مضافاً آن که بند (ج) ماده ۲۳۴ قانون برنامه پنجم توسعه کشور به صراحت بر «قطع وابستگی هزینه‌های جاری به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه» تاکید دارد. همچنین، یافته‌های مطالعه حاضر حاکی از این می‌باشد که بازنگری در فرآیند تأسیس و اداره صندوق‌های ثروت ملی در منطقه مورد بررسی ضروری است.

فهرست منابع

- ۱- عباسیان، عزت اله، خاتمی، طیبه (۱۳۹۱)، «تعیین مسیر بهینه مالیات‌ها در جهت کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی»، *فصلنامه اقتصاد مقداری (فصلنامه بررسی‌های اقتصادی)*، ۹ (۱) (پیاپی ۳۲): ۸۹-۱۱۱.
- ۲- صبری بقایی، آذرخش، محمدزاده اصل، نازی (۱۳۸۲)، «شناخت جنبه‌های مختلف اثربخشی مالیات در اقتصاد ایران». *پژوهشنامه اقتصادی*، ۳ (۱) (پیاپی ۸): ۱۷۳-۱۹۸.
3. Aizenman, Joshua, and Yothin Jinjark (2009), "Globalisation and Developing Countries—a Shrinking Tax Base?." *Journal of Development Studies* 45, no. 5: 653-671.
4. Bornhorst, Fabian, Sanjeev Gupta, and John Thornton (2009), "Natural Resource Endowments and the Domestic Revenue Effort," *European Journal of Political Economy*, No. 25, pp. 439–446.
5. Collier, Paul (2011), "Savings and Investment Decisions in Low-income Resource Exporters," Centre for the Study of African Economies, (United Kingdom: Oxford University).
6. Drummond, Paulo, Wendell Daal, Nandini Srivastava, and Luiz E. Oliveira, (2012), "Mobilizing Revenue in Sub-saharan Africa: Empirical Norms and Key Determinants," IMF Working Paper 12/108 (Washington: International Monetary Fund).
7. El Anshasy, Amany A., and Marina-Selini Katsaiti. (2013), "Natural Resources and Fiscal Performance: Does Good Governance Matter?," *Journal of Macroeconomics* .
8. Hamdi, Helmi, and Rashid Sbia (2013), "Dynamic Relationships between Oil Revenues, Government Spending and Economic Growth in an Oil-dependent Economy." *Economic Modelling* , 35: 118-125.
9. Kia, Amir (2008), "Fiscal Sustainability in Emerging Countries: Evidence from Iran and Turkey." *Journal of policy modeling* 30, no. 6: 957-972.

10. Pasten, Roberto, and James Peery Cover (2011), "Does the Chilean Government Smooth Taxes? A tax-smoothing Model with Revenue Collection from a Natural Resource." *Applied Economics Letters* 18, no. 5: 421-425.
11. Reyes-Loya, Manuel Lorenzo, and Lorenzo Blanco (2008), "Measuring the Importance of Oil-related Revenues in Total Fiscal Income for Mexico." *Energy Economics* 30, no. 5: 2552-2568.
12. Tijerina-Guajardo, José A., and José A. Pagán (2003), "Government Spending, Taxation, and Oil Revenues in Mexico." *Review of Development Economics* 7, no. 1: 152-164.
13. Treviño, Juan, and Alun H. Thomas. (2013), "Resource Dependence and Fiscal Effort in Sub-saharan Africa." *IMF Working Paper* 13/188 (Washington: International Monetary Fund).